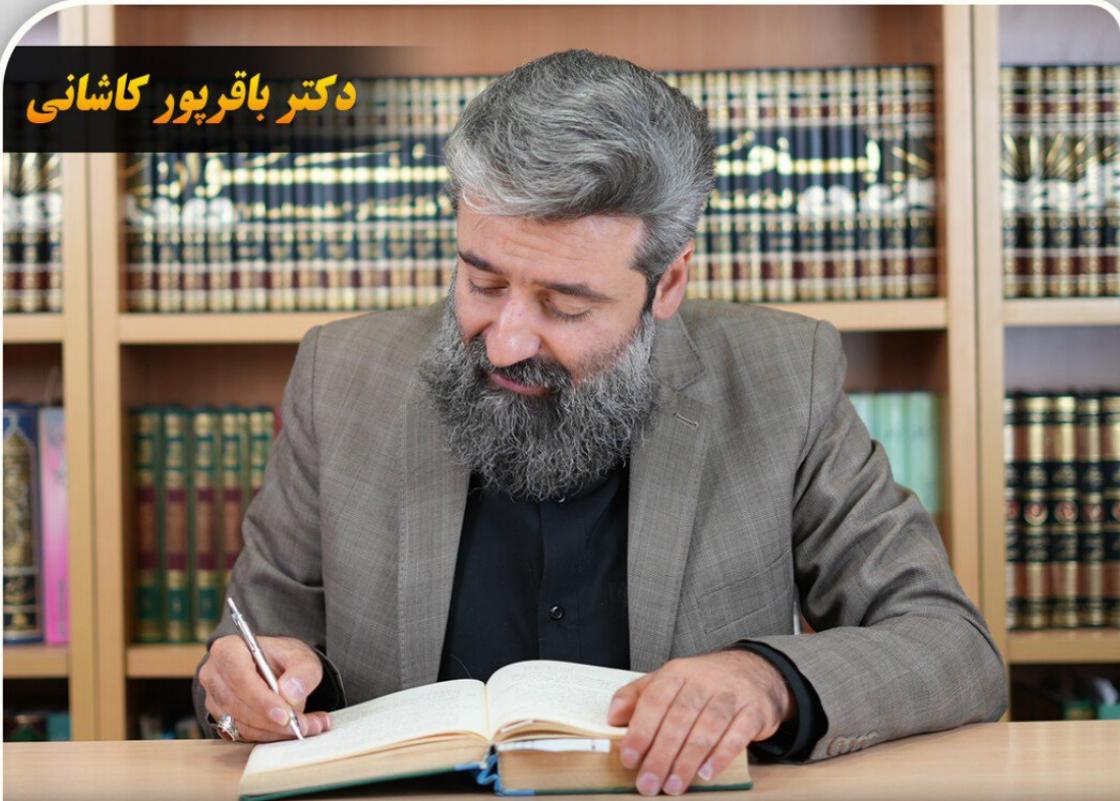


دکتر باقرپور کاشانی



آیا راه تشخیصی برای کشف رحمانی از شیطانی هست؟!

آیا راه تشخیص برای کشف رحمان از شیطان هست؟!؟

حالا یک مکاشفه‌ای صورت می‌گیرد، این مکاشفه‌ای که صورت می‌گیرد ما از کجا بفهمیم که این از ناحیه رحمان است یا از ناحیه شیطان است؟ از کجا می‌توانیم تشخیص بدهیم؟

یک راهش این است که همین‌طور که شما فرمودید، گفتید که ما این کشف را عرضه می‌کنیم به دین، اگر این مطالبی که مطرح شده، این شیطان حالا هرچی، در خواب یا بیداری به ما القا شده، ضد دین باشد، می‌گوییم آقا کشف، کشف شیطانی هست، اگر مطابق دین باشد می‌گوییم چیست این؟! رحمانی هست. یک راهش این است. خب پس این‌جا میزان شد دین.

پس کشف و شهود حجت نیست، اعتبار کشف را به اعتبار دین دارد می‌دهد، یعنی حجیت ذاتی ندارد، میزان نیست، در عقل میزان بود، حکم عقل میزان هست، اما کشف، باید عرضه بکنیم به یک حقیقتی به عنوان دین مثلا! پس نمی‌شود گفت میزان شناخت است.

اما خب بالاخره آیا ما می‌توانیم تشخیص بدهیم که این کشفی که صورت گرفته، بالاخره در مواردی این از ناحیه خداست، یا از ناحیه شیطان است، به نظر می‌رسد خیلی مشکل است کار! اکنون خدمتتان عرض می‌کنم چه‌طور؛ به خاطر این که ممکن است شیطان، از باب فریب یک نفر، و جلب اعتماد یک نفر، اول مطالب درست و بهش القا بکند، و کم به کم زمینه انحراف و برای این فرد به وجود بیاورد؛ ببینید شیطان که از این آدم‌های شیطان‌انسی که قوی‌تر است که! یک آدمی که می‌خواهد جمعی را فریب بدهد، مثلاً یک کلاهبردار، همان روز اولی که می‌خواهد کار بکند که کلاه مردم را برنمی‌دارد که، دو سه سال کار می‌کند، پول خوبی هم به ملت می‌دهد، جلب اعتماد می‌کند، وقتی جلب اعتماد کرد، یک همت مثلاً بر می‌دارد می‌رود! ببینید گاهی اوقات یک نفر را برای این که فریب بخواهی بدهی باید جلب اعتماد بکنی، شیطان ممکن است که در شروع یک چیزهای خوب بدهد، یک قابلیت‌هایی بدهد، بعد کم به کم وقتی در یک قوایی بهت بدهد، یک اموری را بهت اعطا بکند، دیگر جوری دلبستگی بهش داشته باشی، دیگر نتونی دل بکنی، بعد حالا یک چیز دیگر هم بخواهد ازت، می‌گوید نگاه کن، اگر چنان‌چه به حرفم گوش ندهی، می‌گیرم ازت! خیلی سخت است.

مثالش این است که اکنون می‌گویند آقا شما یک خلاف و بیا بکن، من عرضم به حضور شما، یک بنز بهت می‌دهم؛ خب طرف ممکن است این کار را بکند، ولی اگر یکم دینش حساب کتاب داشته باشد، می‌گوید نه آقا من خلاف نمی‌کنم، بنز هم مال خودت! اما اگر یک مدت یک بنز و بگذارند زیر پات، آخه برای مایی که بنز نشستیم، نه این بنزهایی که در ایران است، البته بنزهای خوب هم در ایران هست، می‌گوییم چیه این بنز! مثل همین پراید است یکم بالاتر است! مثل این پژو هست یکم بالاتر است، مثل این ریو هست یکم بالاتر است! نمی‌دانم مثل چه ماشین‌های ایرانی، یکم بالاتر است! اما یک مدت بگذارند شما پشت بنز بشینید، آقا یک ماه این سوئیچ را بهت بدهند، برو هرکاری می‌خواهی بکن؛ بعد اگر سوئیچ پراید بدهند، این داغونت می‌کند، یعنی تو، این ماشین را لذتش را چشیدی، بعد نمی‌توانی پشت پراید بنشینی، نمی‌توانی پشت پژو بنشینی، نمی‌توانی پشت ۲۰۶ بنشینی، ۲۰۷ بنشینی مثلاً؛ چرا؟ چون لذتش را چشیدی. حالا آنجا ازت یک چیز دیگری بخواهند، بگویند نگاه کن اگر این کار را انجام ندهی ازت می‌گیرم! آنجا کشش‌اش بیشتر هست، می‌گوید آقا نگیر! قبلش لذتش را نچشیدی، بگویی نه خلاف نمی‌کنم! شیطان گاهی اوقات این کار را می‌کند.

حالا من یک نمونه‌ای را خدمتتان عرض می‌کنم، اصطلاحاً می‌گویند از باب دانه پاشی! کفتر بازها، خب این کفتر و چجوری می‌خواهند بگیرند؟ این کفتر و تا بیایند جلو در می‌رود! برای این کفتر یکم دانه می‌ریزند، هی دانه‌ها را می‌خورد می‌آید می‌آید می‌آید می‌آید جلو اعتماد می‌کند، یکهو می‌گیرتش، جلب اعتماد این کبوتر را می‌کند بعد می‌گیرد، همان اول می‌آمد آن در می‌رود، کبوتر را نمی‌توانست بگیرد. شیطان اول دانه‌پاشی می‌کند، دانه‌های شیرینی‌ام بهت می‌دهد، تو علاقه‌مند می‌شوی به آن‌ها، بعد ازت چیزی را می‌خواهد که به انحراف بکشد. حالا این‌جا؛ یک مکاشفه‌ای برای شما اتفاق افتاد، مکاشفه بدی هم نبود، شما از کجا می‌توانید تشخیص بدید از ناحیه خداست یا از ناحیه شیطان؟ چیز بدی هم نیست، ممکن است از ناحیه خدا باشد، ممکن است از ناحیه شیطان باشد، چیز خوب هم بهت داده باشد، چرا؟ از باب آن دانه پاشی، جلب اعتماد بکند، پس در این حالت می‌توانی بگویی رحمانی و شیطانی هست، می‌گویی نمی‌دانم، نمی‌توانی تشخیص بدهی، قسم حضرت عباس بخوری، چون خواب یا در کشف بهت گفتند نگاه کن امروز بلند شو برو مسجد، نماز صبحت را در فلان مسجد بخوان، بگویی آقا این حتماً از ناحیه خداست! نه ممکن است از ناحیه شیطان باشد.

مگر شیطان ما را به سمت نماز می‌خواند؟! برای اینکه جلب اعتماد بکند، گیری ندارد. من یک ماجرای را خدمتان عرض می‌کنم، این ماجرا را من از استاد خودمان آیت‌الله سیدان شنیدم که مستقیم از مرحوم آشیخ مجتبی قزوینی شنیده بود، اما این مسئله را من در کتاب «اجساد جاویدان» مال آقای استاد علی اکبر مهدی پور، حدود ۱۶ - ۱۷ سال پیش پیدا کردم و خود آقای مهدی پور می‌گوید این را من از آشیخ محمد باقر ملکی شنیدم و ایشان این داستان را به واسطه آیت‌الله شیخ مجتبی قزوینی از مرحوم آیت‌الله زرآبادی [نقل کرده]؛ مرحوم آیت‌الله زرآبادی هم استاد آشیخ عباس هست، هم استاد آشیخ مجتبی قزوینی بود و هم شوهر خواهرش بود. آقای قزوینی، در شهر قزوین هم خاک هستند، آیت‌الله زرآبادی، آیت‌الله زرآبادی قزوینی شخصیت بزرگی بوده. علی‌ای حال این ماجرا را نقل می‌کند آقای زرآبادی.

می‌گه: «در روزهایی که در قزوین امام جماعت بودم، مدتی به سیر و سلوک پرداختم، (پس بین تو اون حالت‌های خوب هم بوده، یکی از نکاتی که ایشان ذکر کرده گفت اگر در حالت‌های خوبی باشی مکاشفه را ببینی رحمانی هست،

اگر در حالت‌های بد باشی چی؟ شیطانی هست، در صورتی که در حالت‌های خوب بوده، می‌خواهم بگویم شیطان چه کار می‌کند، کارش را بلد هست؛ آقا ببینید شیطان، این آیه را دقت بکنید، سوره مبارکه ص، آیه ۸۲ و ۸۳:

«قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلِصِينَ»

شیطان گفت: «به عزت تو سوگند خدایا، که همانا همگی را گمراه خواهم کرد، مگر آن بندگان خالص تو». (قسم خورده. تمام همت شیطان در

این است که انسان‌ها را گمراه بکند) مرحوم آیت‌الله زرآبادی قزوینی می‌گوید که: خب در قزوین که امام جماعت بودم، مدتی به سیر و سلوک پرداختم و به قدری پیش رفتم که پرده‌ها از چشمم، از جلوی چشمم برداشته شد، دیوارها در برابر من حائل نبود، وقتی که در خانه نشستم، رهگذرها را در کوچه‌ها و خیابان‌ها می‌دیدم، (این خیلی عجیبه شما بشینی آن‌ور دیوار خانه افراد را می‌بینی، این غیر کشف است؟ یعنی این هم می‌رود کنار دیوار، داری می‌بینی دیگر، کأنَّ دیوار نیست) روزی به من گفت حالا که به این مقام رسیدی، اگر بخواهی به مدارج بالاتر و مقامات بالا برسی، فقط یک راه دارد،

و آن ترک اعمال ظاهری است، (نماز مثلاً، نماز و این چیزهای اعمال ظاهری را بگذار کنار!) گفتم: این اعمال ظاهری با دلایل قطعی و براهین مسلم شرعی به ما ثابت شده، من هرگز تا زنده‌ام آن‌ها را ترک نخواهم کرد، به من گفته شد در این صورت همه آن‌چه به شما داده شده، از شما سلب خواهد شد؛ گفتم به جهنم! آورده از همان لحظه، آن حالت از من سلب شد و یک فرد عادی شدم، دیگر از آن کشف و شهود خبری نبود، در آن هنگام متوجه شدم که شیطان از این اعمال ظاهری ما با آن همه نقصی که دارد شدیداً در رنج و عذاب است! (همین نماز ما برای شیطان خیلی سخته!) و لذا تصمیم گرفتم که با تمام قدرت به اعمال مستحبی روی بیاورم و در حد توان چیزی از مستحبات را ترک نکنم؛ به فضل پروردگار، در پرتو التزام به شرع مبین، حالاتی به من دست داد، که حالات پیشین در برابر آن ناچیز بود.»

ببیند نکته سر این است، آیا در حالت‌های خوب، آیت‌الله بوده، شخصیت برجسته‌ای بوده، ایشان سیر و سلوک هم می‌کرده، این ماجرا اتفاق افتاده؛ لزوماً نباید یک آدم بدی باشد که کشف شیطانی، القای شیطانی در خصوص تو باشد؛ اتفاقاً شیطان یک عده مردم که خودشان دنبال خلافند می‌گویند دیگر این‌ها دارن می‌دوند، نمی‌آید این همه مایه بگذارد، امکانات و وسایل در اختیار یک نفر بگذاره‌گد که پشت دیوار ببیند و این همه امتیازات ویژگی‌ها و علومی را بهش اعطاء بکند، چرا این کار را بکند!

اما برای این‌ها می‌اید می‌گذارد! می‌گوید که یک نفر را بخواهم
گمراه بکنم، «فَسَدَ الْعَالِمُ فَسَدَ الْعَالَمُ» فاسد می‌کنم عالم و اگر یک نفر از
این‌ها که لیدر کار باشند، بخواهم فاسد بکنم، چون اگر به اندازه یک
اپسیلون گمراهی پیدا کند، این را ترویج بدهد به اندازه همان اپسیلون
جمعیتی هم به انحراف می‌کشد.

پس وقتی دوستان این‌گونه شد که در آن حالت واقعا مسئله بدی هم
نبوده. ببینید ممکن هست که مرحوم زرآبادی قزوینی، آقا چه وقت
فهمید کشف شیطانی هست؟ وقتی آن صدا آمد گفت آقا دیگر نمازت
را بگذار کنار! اعمال ظاهریت و بگذار کنار! قبلش چی؟ سیر و سلوک
هم می‌کرد، فکر می‌کرد این از ناحیه خداست!

حالا این اتفاق برای تک تک ما بیفتد، از کجا معلوم که سر آن ریسمان
شیطان نباشد؟

از کجا معلوم؟

ممکن است هم شیطان نباشد، رحمان باشد، خیلی باید حواسمان جمع
باشد، اما این‌که ما این را حجت بدانیم و صد در صد بگوییم از ناحیه
خداست، خیر؛ با توجه به همان گزاره‌های دینی و گزاره‌های تجربی‌ای
که افراد داشتند، چنین چیزی حجیت ندارد.

بله اگر چنانچه خلاف شرع از من می‌خواست که خب روشن است، ولی همان اول نمی‌آید از تو خلاف شرع بخواهد، اول می‌آید که سالک را می‌خواهد به سمت خودش جذب بکند، پس چون ما معصوم نیستیم، ما نمی‌توانیم تشخیص بدهیم که این کشف از ناحیه خداست یا از ناحیه شیطان است، پس این کشف شخصاً هم برای ما حجت نیست. ببینید یکی از دوستان گفت شخصاً برای ما حجت هست، نه شخصاً هم برای من حجت نیست، حجت اصلاً کشف نیست، کشف برای کی حجت هست؟ برای معصوم.

یعنی معصوم می‌تواند تشخیص بدهد، اشتباه نمی‌کند که آیا این القائات از ناحیه خداست، یا از ناحیه شیطان! وقتی حضرت ابراهیم علیه‌السلام پسرش را می‌خواهد ذبح بکند، این معصوم است این تشخیص داده از ناحیه خداست، حالا اگر واقعاً در کشف یا خواب به ما می‌گویند بیا پسرت و ذبح کن، شما می‌روی پسرت را ذبح می‌کنی؟ دیوانه‌ای؟ کسی این کار و بکند روی عقل تو شک می‌کند، روی منطق تو شک می‌کند، چرا؟ به خاطر این که ما معصوم که نیستیم، اولاً به قول ایشان معلوم نیست این تجسم اوهام و تخیلات است یا کشف، اول تکلیف مشخص بشود، اصلاً ممکن است تو اصلاً بیمار باشی توهم بزنی!

ثانیاً اگر کشف باشد، از کجا می‌توانی تشخیص بدهی که این کشف از ناحیه خداست یا از ناحیه شیطان است؟!

تو چه جوری می‌توانی تشخیص بدهی؟

پس چون کشف رحمانی داریم، شیطانی داریم، و تشخیص این‌ها که از ناحیه خداست یا شیطان است برای ما مشخص نیست، پس کشف حجت نیست.

حاضرین: پس اکنون بحث مکاشفه و کشف صرفاً برای معصوم حجت است و برای بقیه حجت نیست؟

بله!

حاضرین: و این که که آقای بهزاد، پرسیدن که از نگاه معرفت‌شناسی مکاشفه حجت نیست، از نگاه دین چه‌طور؟

حجت نیست! بله فقط معصوم؛ منتها حالا ممکن است یک نفر بگوید این هیچ فایده ندارد؟ چرا، مؤید هست، حالا آدم یک خواب خوب ببیند، تا جایی که خلاف شرع نکند، تأکید نکند، مثلاً یک خوابی ببیند بگویند فلانی، تو خواب بهش بگویند یا کشف باشد، پاشو پاشو نماز صبحت قضا شد! این بگویند نه شاید این از ناحیه شیطان باشد! بگیرم بخوابم! خب بلند می‌شوی نماز صبحتم می‌خوانی!



[@aparat.com/be_sooye_zohoor](https://aparat.com/be_sooye_zohoor)



[v_bagherpour_kashani](https://www.instagram.com/v_bagherpour_kashani)



[@seratehagh1](https://t.me/seratehagh1)



[besouyezohour](https://www.besouyezohour.com)



[bagherpour-kashani.com/](https://www.bagherpour-kashani.com/)



[@serat12k](https://www.serat12k.com)



[youtube.com/c/seratehagh](https://www.youtube.com/c/seratehagh)



<https://naakhodaa.ir>